

آنچه از امام موسی صدر آموختم

۲۱

نویسندگان: محمدرضا یحیایی

کبرا حکیمی

سرشناسه: یحیائی، محمدرضا، ۱۳۴۷ -	
عنوان و نام پدیدآور: آنچه از امام موسی صدر آموختم/	
نویسندگان: محمدرضا یحیائی - کبرا حکیمی.	
مشخصات نشر: تهران: محمدرضا یحیایی، ۱۳۹۶.	
مشخصات ظاهری: ۲۹۲ ص.: مصور.	
شابک: 978-600-04-9343-1	وضعیت فهرست نویسی: فیا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۷۱-۲۷۳.	موضوع: صدر، موسی، ۱۳۰۷ - -- سرگذشتنامه
موضوع: صدر، موسی، ۱۳۰۷ - -- سرگذشتنامه	موضوع: Sadr, Musa-- Biography
موضوع: صدر، موسی، ۱۳۰۷ - -- دوستان و آشنایان -- خاطرات	موضوع: Sadr, Musa -- Freinds and associates --
موضوع: صدر، موسی، ۱۳۰۷ - -- لبنان -- سرگذشتنامه	موضوع: Ulama -- Lebanon -- Biography
شناسه افزوده: حکیمی، کبرا، ۱۳۴۹ -	رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۳ / ۴ ص / DS۸۷/۱
رده بندی دیویی: ۶۳۰ / ۶۲۰۴۴	سما ره کتابشناسی ملی: ۵۰۱۹۳۶۶

آدرس فروشگاه مرکزی: مهندس امیر نعمتی - تهران - سعادت آباد ۰۹۳۷۳۲۳۴۱۳۰

نام کتاب: آنچه از امام موسی صدر آموختم

نویسندگان: محمدرضا یحیائی - کبرا حکیمی

ناشر: نویسنده

ویراستار: کبرا حکیمی

تایپ: بخش فرهنگی «انستیتو بین المللی جامع برگزیدگان ایران»

طراح جلد: سعید بختیاری

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۶

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰۰۰۴-۹۳۴۳-۱

«کلیه حقوق این اثر، برای نویسنده محفوظ است.»

الف- فهرست مطالب

«بخش یک»

- الف- فهرست مطالب ۹
- ب- تقدیم کتاب ۱۴
- ج- خواننده گرامی ۱۵
- د- مقدمه نویسنده ۱۶

«بخش دو»

- ۱- تولد امام سید موسی صدر ۲۳
- ۲- خاندان امام سید موسی صدر ۲۴
- ۳- حضور در حوزه علمی قم ۲۵
- ۴- حضور در دانشگاه تهران ۲۶
- ۵- حضور در حوزه علمی نجف ۲۷
- ۶- هجرت به لبنان ۲۸
- ۷- بازسازی هویت، انسجام و عزت تاریخی شیعیان لبنان ۲۹
- ۸- پرچمداری حرکت گفتگوی ادیان و تقریب مذاهب در لبنان ۳۱
- ۹- تأسیس جامعه مقاوم و مقاومت لبنانی ۳۳

- ۱۰- شاگردان امام سید موسی صدر ۳۷
 - ۱۱- خاندان امام سید موسی صدر، به روایت اسناد ساواک ۳۸
 - ۱۲- آیت‌الله امام سید موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان ۴۲
 - ۱۳- نامه مرجع عالیقدر تشیع، آیت‌الله بروجردی به امام سید موسی صدر ۴۴
 - ۱۴- انتشار نخستین مجله در حوزه علمی قم ۴۵
 - ۱۵- وضعیت شیعیان لبنان، قبل از امام سید موسی صدر ۴۹
 - ۱۶- وضعیت شیعیان لبنان، بعد از امام سید موسی صدر ۵۷
 - ۱۷- درخواست وحدت بین مسلمانان توسط امام سید موسی صدر ۸۲
 - ۱۸- امام سید موسی صدر، یار امام خمینی و «ابجأ» (پناهگاه) مبارزان ۹۱
 - ۱۹- از جهان عرب و شیعیان آن، تا ایران و مبارزه روحانیت علیه رژیم شاه ۱۰۶
 - ۲۰- ربوده شدن امام سید موسی صدر ۱۱۳
 - ۲۱- سرنوشت امام سید موسی صدر ۱۱۶
 - ۲۲- از تولد تا ربوده شدن در یک نگاه ۱۱۷
- «بخش سه»
- ۲۳- آمده‌ام با اوهام مسلمانان مبارزه کنم ۱۲۱
 - ۲۴- دیدار با امام سید موسی صدر ۱۲۷
 - ۲۵- صلح، پیوند پاینده اسلام و مسیحیت ۱۳۸

- ۲۶- نگاه اجتماعی و پویای امام سید موسی صدر به «شب قدر» ۱۴۳
- ۲۷- آری، علی(ع) موحد بود برادر ۱۴۷
- ۲۸- چپستی زندگی از نگاه حضرت امیرالمومنین(ع) ۱۵۳
- ۲۹- تأثیرپذیری از سیره علوی ۱۵۴
- ۳۰- امام علی(ع) از شهادت خود، زندگی ساخت ۱۵۵
- ۳۱- تفسیر سیره قدر در کلام امام سید موسی صدر ۱۵۶
- ۳۲- رفتارشناسی حضرت امام علی(ع) ۱۵۷
- ۳۳- روزه، تمرین زندگی است ۱۵۸
- ۳۴- همه هستی، محراب خداوند است ۱۵۹
- ۳۵- حجاب برای این است که زن و مرد در مقام انسان در جامعه حاضر شوند ۱۶۰
- ۳۶- ایمان، سرمایه عزت ما است ۱۶۱
- ۳۷- انسان، خود، جامعه صالح یا ناصالح را می‌سازد ۱۶۲
- ۳۸- مؤمن، به خلق خدا هم فکر می‌کند ۱۶۳
- ۳۹- مهمان ضیافت الهی باشیم ۱۶۴
- ۴۰- احدیت، فقط برای خداوند است ۱۶۵
- ۴۱- تقوا، نشانه برتری مؤمن است ۱۶۶
- ۴۲- همه، در برابر خداوند مساوی هستند ۱۶۷

- ۴۳- مؤمن، غیر راه خدا نمی‌رود ۱۶۸
- ۴۴- حسادت، ایمان را خفیف می‌کند ۱۶۹
- ۴۵- دوستی و برادری را از بین نبریم ۱۷۰
- ۴۶- مبارز کیست؟ ۱۷۱
- ۴۷- حجاب امام سید موسی صدر به پرسش دخترش دربارهٔ ادیان ۱۸۰
- ۴۸- باحجاب باش ولی شیک بپوش ۱۸۱
- «بخش چهار»
- ۴۹- مسیحیان، جمال حضرت عیسی(ع) را در چهرهٔ امام سید موسی صدر می‌دیدند ۱۸۵
- ۵۰- سنگر دفاع از کرامت و سلامت ۱۸۷
- ۵۱- اخلاقیات امام سید موسی صدر ۱۸۸
- ۵۲- غرب، از نگاه امام سید موسی صدر ۱۹۲
- ۵۳- در قلمروی اندیشهٔ امام سید موسی صدر (معرفی کتاب‌های ۸ جلدی) ۱۹۷
- ۵۴- وقتی امام سید موسی صدر، شراب سفارش داد ۲۰۱
- ۵۵- مخالفان امام سید موسی صدر، حسود و تنگ‌نظر بودند ۲۰۲
- ۵۶- من دین تو را نپرسیدم! ۲۰۳
- ۵۷- امام سید موسی صدر، در کلام بزرگان ۲۰۵

«بخش پنج»

۵۸- وقتی که نجنگیدن سخت‌تر از جنگ است! ۲۱۵

۵۹- بیانیه تحصن امام موسی صدر ۲۱۷

«بخش شش»

۶۰- مجلس اعلای شیعیان لبنان ۲۲۵

۶۱- حزب‌الله لبنان ۲۲۸

۶۲- نیروهای حرکت ابل با است خالی مقابل دشمن می‌ایستادند ۲۳۰

۶۳- لبنان، نیازمند بازگشت به مکه بام است ۲۳۱

«بخش هفت»

۶۴- زندگی امام سید موسی صدر، در یک نر ۲۳۵

«بخش هشت»

یک- فهرست منابع ۲۷۱

دو- فهرست کتاب‌های نویسنده ۲۷۴

ج- خواننده گرامی

نگارش این کتاب که بیش از دو سال شبانه روز به طول انجامیده، حاصل دانشی است که از اساتید علوم مختلف کسب شده، و جا دارد که از آنان سپاسگزاری نمایم. خصوصاً آقایان: امام سید موسی صدر، دکتر مصطفی چمران، دکتر علی شریعتی، دکتر سید صادق طباطبائی، آیت الله هاشمی رفسنجانی، سید هادی خسروشاهی، سید علی بطحائی، مجید مرادی. و همچنین خانم: فاطمه صدرعاملی، حورا صدرا، سوسن شریعتی، خانم معلوف و حبیبه جعفریان. همچنین از آقایان، دکتر سید ابوتراب احمدپناه، سید محمد حسینیان، و همچنین از خانم کبرا حکیمی، که «راه مشوق من در این امر بوده و علاوه بر همکاریشان در نگارش، زحمت ویرایش کتاب را نیز پذیرفتند، آقای مهندس امیر نعمتی که مدیریت سایت و کارهای مربوط به چاپ کتاب را به عهده گرفتند و آقای سعید بختیاری که طرح جلد کتاب را ترسیم نمودند، کمال تشکر و امتنان را دارم.

از خدا خواهیم توفیق عمل صالح جامع

محمد رضا یحیای

تیرماه ۱۳۹۶

د- مقدمه نویسنده

«به نام حضرت دوست، که هرچه هست و نیست، همه از آن اوست»

سالها پیش، زمانی که در یک مهمانی دعوت بودیم؛ صحبت به سمت جبهه و انقلاب و سیاست کشیده شد. من فقط شاهد صحبت‌های دوستان بودم. یکی از حاضرین، به من رو کرد و گفت: شما خیلی ساکتی! نظرتان در رابطه با این موضوع که، چه کسانی باعث و بانی پیروزی انقلاب، سال ۱۳۵۷ شمسی در ایران شدند؟ و ... غیره. من کمی به ایشان نگاه کردم و گفتم: صحبت‌های شما عزیزان را شنیدم. همانطوری که می‌دانید، من در سیاست، اطلاعات مهم و حقیقی ندارم در واقع، زمانی می‌توانم به سئوالات شما پاسخ صحیح بدهم که اولاً، تمامی اطلاعات را داشته باشم و ثانیاً، آن اطلاعات، تماماً از روی حقیقت و صداقت به دست من رسیده باشد. ثالثاً، شناسایی این سئوالات را پیرسید که در زمینه سیاست و تاریخ انقلاب، کارکشته و خبره باشند. همانطوری که خودتان می‌دانید، تمامی فعالیت‌های من در طول زندگی‌ام، در رشته‌های ورزشی، علمی، مهندسی، ... و متافیزیک خلاصه می‌شود. من در دنیای سیاست و تاریخ انقلاب، تحقیق پژوهش نکرده‌ام. به همین خاطر، در اینگونه محافل، من فقط شنونده هستم. ایشان به من گفتند: چرا اشکالی دارد که روی این موضوع هم تحقیق کنی؟! من گفتم: آنقدر غرق در تحقیقات و تمرینات «تربیت هنرهای رزمی جامع»، «طب»، «اختراعات»، «ادیان»، ... و «متافیزیک» شده‌ام که دلبستگی برای کارهای دیگر نمی‌ماند. در هر صورت، چشم؛ اگر فرصتی داشته باشم، روی تاریخ انقلاب ایران هم، تحقیق خواهم کرد! زمانی که از آن مهمانی آمدم بیرون، داخل مغزم، پُر از اطلاعاتی بود که دیگران در آن مهمانی گفته بودند.

چند ماه از ماجرای مهمانی گذشت و من توانستم دو تا از کتابهایم را که نیمه تمام بود را به اتمام برسانم. زمانی که کتابهایم به اتمام رسید و برای گرفتن مجوز از «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» اقدام کردیم، یکدفعه به یاد صحبت‌های چند ماه قبل در مهمانی افتادم. به همین خاطر، شروع کردم به تحقیقات در زمینه «تاریخ انقلاب ۱۳۵۷ ایران». بعد از چند روز تحقیق و جستجو از طریق اینترنت، اسامی ده‌ها کتاب مهم و قابل استناد را یادداشت کردم. بعضی از آنها را توسط اینترنت بصورت فایل PDF دانلود کردم و بعضی از آنها را هم خریداری کردم و بعضی‌ها را هم از طریق سایت‌های مخصوص به خودشان، بصورت مقاله برای خودم ذخیره کردم. رفته رفته تمامی کارهایم را کنار همدیگر گذاشتم، دیدم ده‌ها کتاب و هزاران صفحه شدند. هر زمان که از کارهای اصلی خودم خلاص می‌شدم، بجای استراحت، کتاب‌های مربوط به «تاریخ انقلاب ۱۳۵۷ ایران» را مطالعه می‌کردم.

بعد از اینکه توانستم تمامی کتاب‌های مربوط به تاریخ انقلاب را بصورت تندخوانی به اتمام برسانم، با همان دوست قدیمی من رفتم و گفتم: به حرف‌هایتان گوش دادم و تاریخ انقلاب را مطالعه کردم. بعد از چند روز، یک دوره‌ی دستانه شکل گرفت. دوباره آنها مشغول صحبت در زمینه تاریخ انقلاب و گفته‌های مرا به بزرگان انقلاب بودند و من هم به صحبت‌هایشان گوش می‌دادم. یکدفعه، یکی از آنها گفت: آقایان اگر اجازه بدهید، کمی استراحت به خودتان بدهید و اجازه بدهید که جناب استاد بنیاد کمی صحبت کنند. من رو کردم به جمع و گفتم: دوستان عزیز! اگر یادتان باشد، سال قبل زمانی که مثل امروز دورهمدیگر جمع شده بودیم، شما مرا تشویق به مطالعه و تحقیق در رابطه با تاریخ انقلاب کردید. من هم به حرفتان گوش دادم و تحقیقات اولیه خودم را به اتمام رساندم. حالا اگر شما بخواهید، من هم، تحقیقات خودم را با شما عزیزان به اشتراک می‌گذارم. هر کسی گفتند: منتظر سخنان‌تان هستیم.

از زمانی که سخن خودم را با «به نام حضرت دوست، که هرچه هست و نیست، همه از آن اوست» شروع کردم و جمله‌ام را با گفتن «تمامی این سخنان، برداشت شخصی من از مطالعه و تحقیق ده‌ها کتاب و هزاران صفحه در رابطه با تاریخ انقلاب ۱۳۵۷ ایران، می‌باشد» به اتمام

رساندم، حدوداً دو ساعت طول کشید. در طول این مدت، تمامی حاضرین، به صدلی‌هایشان میخکوب شده بودند و فقط گوش می‌دادند.

بعد از اتمام صحبت‌هایم، همگی بلند شدند و مرا تشویق کردند. همگی متفق‌القول می‌گفتند: عجب اطلاعاتی!!! این اطلاعات را از کجا آوردید؟ و من هم گفتم: از طریق اینترنت، ابتدا جستجو کردم، و بعد تمامی کتاب‌های مربوطه را که می‌شود به آنها استناد کرد را تهیه کرده و در فرصت مناسب، مطالعه کردم. سپس ایشان گفتند: ای کاش شما استاد گرامی، کتاب «بی‌سم به این شکل» می‌توانستید بنویسید. زیرا نوشته‌های شما، بصورتی ساده و روان و قابل فهم است. در واقع، با خواندن یک کتاب شما، به مانند این است که ده‌ها کتاب و هزاران صفحه کتاب را یکجا خوانده‌ایم. پس، عاجزانه از شما استاد گرامی خواهش می‌کنیم، چکیده‌ای از تحقیقات خودتان را بصورت کتاب درآوردید و به چاپ برسانید تا همگی ما بتوانیم از آنها استفاده کنیم. بعد، گفتند: خیل برای ما جالب است. ما در طول این همه سال، این همه صحبت کردیم و خیلی هم ادعای دانستی تاریخ انقلاب داشتیم. ولی شما، به قول خودتان، کوچکترین اطلاعاتی از تاریخ انقلاب و سیاست نداشتید؛ ری حالا، شما سخنانی را گفتید که، ما از آنها باخبر نبودیم. حتی به فرمان هم نمی‌رسید که می‌شود به این موضوعات هم فکر کرد. در هر صورت، ما از شما استاد گرامی یاد گریم که، قل از سخن گفتن، باید خیلی تحقیق و جستجو کرد و زحمت کشید. در واقع شما به ما «جامع» بودن را یاد دادید. به قول خودتان:

«تَر جامع» یعنی: بدون قضاوت و پیش‌داوری و تعصب، تمام علوم مفید و ضروری را در نزد خودتان، جمع‌آوری کنید.

من هم از آنها تشکر کردم که باعث شدند، به طرف تاریخ انقلاب بروم و تحقیقاتی هرچند کوچک، در این زمینه، انجام دهم. همچنین، به آنها قول دادم که، خلاصه‌ای از تحقیقاتم را بصورت کتاب‌های مفید، تحت اختیار علاقمندان قرار دهم. باشد که مورد قبول حضرت حق واقع گردد؛ انشاءالله.